



از نگاهی دیگر

- به بهانه درگذشت آدمیت / رسول جعفریان
- ما نگونیم بد و... / احسان عبده تبریزی

دکتر فریدون آدمیت

دهم فروردین ۱۳۸۷، فریدون آدمیت درگذشت و برگه دیگری از دانش تاریخ‌نویسی معاصر ورق خورد.

من آدمیت را از سال ۱۳۶۳ شناختم و راستش کتاب دخالت انگلیس در واقعه مشروطه را علیه یک اظهارنظر او نوشتم که گفته بود نظریاتی چون دخالت خارجی در مشروطه، ناشی از اوهام و خیالات است.

بنده برای این که نشان دهم این اظهارنظر بی‌پایه است، غالب کتاب‌ها و اسنادی را که تا آن زمان درباره مشروطه منتشر شده بود، خواندم و نشان دادم که این نظریه چیزی ورای اوهام و خیالات است. این کتاب چند سال بعد با نام تحصن مشروطه خواهان در سفارت انگلیس در مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران منتشر شد. موضوع یاد شده فرصت را برای مطالعه بیشتر آثاری که درباره مشروطه بود، به‌ویژه آثار آدمیت فراهم فراهم کرد. آثار آدمیت درباره جریان روشنفکری در ایران آثاری بود که به لحاظ روش کار و همین طور قالبی که برای بررسی تاریخ فکری ایران برگزیده شده بود، تازگی داشت؛ نوشته‌هایی درباره میرزا فتحعلی آخوندزاده، میرزا آقاخان کرمانی، طالبوف و همین طور کتاب ایدئولوژی نهضت مشروطیت، فکر آزادی و چند اثر دیگر از متونی بود که روش جدیدی در نگارش آن‌ها به کار رفته بود.

تاریخ نویسی مشروطه پس از کسروی که تاریخ سیاسی مشروطه را نوشته بود، مهمل مانده بود و آدمیت از زاویه دیگری به آن پرداخت. هر دو در این که فرزند مشروطه بودند مشترک بودند، اما کسروی بیشتر به تاریخ سیاسی مشروطه علاقه مند بود و آدمیت به تاریخ فکری و فرهنگی آن. این دو در یک نقطه دیگر هم مشترک بودند و آن این بود که هر دو تاریخ مشروطه را بسان تاریخ الحاد در این کشور نوشتند. مثل این که همه چیز در حال حرکت به سمت الحاد بوده است. روشنفکری هم تأسیس شده است تا موجود الحاد باشد. مهم این نیست که رنگ مذهبی دارد، مهم آن است که باطن همه چیز الحاد است. این لب کلام در تاریخ نویسی سیاسی کسروی برای مشروطه و تاریخ نویسی فکری برای آدمیت بود.

وقتی این مطلب را نوشتم به یاد مطالبی افتادم که ابن حزم در الفصل خود درباره شیعه نوشته و تاریخ شیعه را درست به همین شکل، یعنی حرکتی که در راستای گسترش الحاد است، تفسیر کرده است.

آدمیت به سراغ رساله‌های فکری و مکتوبات سیاسی آن دوره رفته بود و کارش تازگی داشت. چنین مطالبی که از آن آثار می‌گرفت، در چهارچوب فکری آدمیت، شکل تازه می‌یافت و از غالب روشنفکران آن دوره، شخصیتی ارایه می‌داد که در پس پرده فکر آنان، آتش الحاد در حال شعله‌ور شدن است. این نگرش در واقع برخاسته از این ایده بود که فکر دینی با فکر غربی از زمین تا آسمان با یکدیگر فاصله دارد؛ نه قابل پیوند است و نه قابل تبدیل. هر چه هست، باطن و ظاهر است که اصل باطن و ظاهر حاوی نوعی فریبندگی و تحریف است. تصور آدمیت این بود که همه روشنفکران عصر مشروطه هم همین گونه فکر می‌کرده‌اند.

در واقع، میان شخصیتی مانند آدمیت از یک سو و فردید از سوی دیگر تفاوت چندانی در این ایده وجود نداشت که غرب و اسلام، دو فلسفه کاملاً متضاد هستند، با این تفاوت که یکی خود را در این سو می‌دید و دیگری در آن سو. آدمیت می‌کوشید تا از همه این روشنفکران یک ملحد بسازد؛ ملحدی که متوجه این تناقض شده است، اما تلاش می‌کند افکار غربی را به نوعی موجه کرده و جایی برای آن‌ها در فرهنگ بومی دست و پا کند.

آدمیت منهای تفکر فلسفی‌اش که مبنای این قضاوت‌های تاریخی بود و از این نظر به لحاظ بی‌طرفی در تاریخ نویسی محل تردید، جستجو درخوری در متون سیاسی دوره مشروطه داشت. این کاری بود که تا آن زمان یا نشده بود و یا اگر هم شده بود، در حد

نوشتن یک فهرست کوتاه از برخی از رسائل سیاسی بود.

اما اشکال اساسی، این بود که همه این نوشته‌ها گرفتار نوعی تفسیر لائیک می‌شد. هم در گزینش و چینش نقل‌ها و هم در تفسیر و تحلیل کلی آن‌ها. شاید منطقی‌ترین نوشته‌ها که در پیروی از سبک و سیاق او نوشته شده، کارهای سید جواد طباطبایی باشد. در این امر من تردید ندارم.

برای آدمیت، دین یک پدیده اجتماعی و عارضی بود که وسیله سرپوش نهادن بر تغییرات و تحولات اساسی در زندگی انسان ایرانی بود؛ برای مثال؛ واقعه رژی یا همان تحریم تنباکو، حرکتی منتسب به تاجران اصفهان و شیراز و تبریز و تهران بود که پوشش دینی یافت. مشروطه حرکتی اجتماعی و فرهنگی از نوع غربی آن بود که تفسیر اسلامی پیدا کرد. اساساً تفسیر کردن جانبدارانه متون و مکتوبات یافت شده، اشکال اساسی آدمیت بود. او با پیش‌داوری به سراغ رساله‌ها و متون رفت و در این راه تلاش بسیاری کرد. بدون تردید، این کار از یک زاویه کاری مبتکرانه بود، بسیاری از نکات روشن می‌شد و ناگفته‌های فراوانی مکشوف، اما از زاویه دیگر، کاری پیش‌داورانه و از سر الحادگرایی بود. بعید می‌دانم آدمیت نگران یا منکر این نسبت می‌بود. از نظر او همه تلاش‌های امیرکبیر هم در راستای زدودن نقش دین و روحانیت از جامعه بود.

۴۶۳

اساساً تفسیر آدمیت، تفسیری بود که رنگ لامذهبی بر همه اندیشه‌ها و افکار می‌انداخت. این که عرض کردم با کسروی تفاوتی جز در این که او نگاه سیاسی داشت و این فکری، نداشت، درست در همین نکته نهفته است. برای کسروی، دین همین ارزش و اعتبار یا به عبارتی بی‌ارزشی و بی‌اعتباری را داشت که برای آدمیت. برای او که حتی از سید عبدالله بهبهانی خوشش می‌آمد، نکته این نبود که او را آدم متدینی می‌دانست، بلکه او را مردی شجاع با حرکتی مردانه یا طباطبایی را مردی روشن با آرمان‌های روشنفکرانه تفسیر می‌کرد.

شیخ فضل‌الله هم برای او جز این نبود که دین را یک دکان کرده است و چون به منصبی نرسیده، بنای مخالفت را گذاشته و صرفاً از سر حسادت با دو سید درگیر شده است. این نهایت عقل سیاسی کسروی است که پیش‌داورانه به تاریخ مشروطه نگاه کرده است.

از این‌ها بگذریم. همه این تلاش‌ها، گام‌هایی است که به تناسب زمان برداشته شده است. کسروی و آدمیت فرزندان مشروطه از نوع غربی آن بودند و به مشروطه بومی و دینی بی‌توجه. آنان تربیت شده دوره رضاشاه و عصری بودند که پس از مشروطه در

راستای دین‌زدایی از فرهنگ ایرانی حرکت می‌کرد؛ بنابراین، طبیعی بود که این گونه بیندیشند و بنویسند.

با این حال، هر دو در تاریخ‌نویسی، گام‌های مهمی برداشتند و این منافاتی با آن نکته ندارد که این تاریخ‌نویسی محصول نگره‌های الحادی آنان همراه گزیده‌ای از وقایع سیاسی یا متون فرهنگی با تفسیر لائیک و کنار گذاشتن بخش‌های دینی و مذهبی بوده باشد.

امروزه باید تاریخ فکری مشروطه از نو و در سایه فعالیت‌های جستجوگرانه و با بی‌طرفی هرچه بیشتر نوشته شود.



نشر مرکز منتشر کرد:

● سعدی شاعر عشق و زندگی / دکتر محمد علی همایون کاتوزیان / ۳۵۸ ص / ۳۹۵۰

تومان

● سرشت و سرتوشت سینمای کریستف کیشلوفسکی / مونیکا مورر / مصطفی

مستور / ۱۲۰ ص / ۲۳۰۰ تومان

● نکته‌های ویرایش / علی صلح جو / ۲۱۲ ص / ۳۳۰۰ تومان

● اسطوره‌های موازی / ج.ف. بیرلین / عباس مخبر / ۳۵۲ ص / ۷۹۰۰ تومان

نشر مرکز - تهران - خیابان فاطمی - روبروی هتل لاله - خیابان باباطاهر - شماره ۸

تلفن: ۳-۸۸۹۷۰۴۶۲